



حسین قربانپور آرانی

# ادبیات پرخاشگر، زمینه‌های اجتماعی و آثار آن

(از آغاز تا عصر مشروطیت)

ادبیات و آثار ادبی همواره تابع رویدادهای سیاسی و اجتماعی هستند و جهت‌گیریها و مسایلی که در ادبیات مطرح می‌شوند، از تغییرات مهم در جامعه تأثیر می‌پذیرند و مجموعه این عوامل است که زمینه را برای بررسی تأثیر رویدادهای اجتماعی در ادبیات فراهم می‌آورد.

یکی از مسایلی که در ادبیات فارسی از نظر جامعه‌شناسی قابل بررسی است ادبیات انتقادی و پرخاشگر و زمینه‌های اجتماعی آن است. ادبیات پرخاشگر از شاخه‌های مهم ادب فارسی است و آن «ادبیاتی است که از نظامهای سیاسی و اجتماعی خاص حمایت می‌کند و یا با نظامهای بخصوصی به ستیز برمی‌خیزد و از آنها زبان به انتقاد می‌گشاید».<sup>(۱)</sup> در ادبیات انتقادی شاعر یا نویسنده «معایب و نارساییهای اخلاقی و رفتاری فرد یا اجتماع را به صورت هجو، یا به زبان هزل و طنز، بیان می‌کند».<sup>(۲)</sup> در این نوع ادبیات، تفکرات فلسفی و مذهبی و اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی خاص، مطرح می‌شود و مهم‌ترین مضامین موجود در آن «بزرگداشت از آزادی و استقلال، وطن‌دوستی، ظلم‌ستیزی و مبارزه با استبداد و جهل و فقر و فساد اجتماعی و حمایت از طبقات محروم جامعه است».<sup>(۳)</sup>

در اندیشه ایرانی و ادبیات فارسی، از نخستین قرنهای پس از اسلام، آثاری هست که در آنها انتقادهای سیاسی و اجتماعی یافت می‌شود. از قدیم‌ترین روزگار، در نتیجه رویدادهای اجتماعی، نهضتهایی شکل گرفتند که هدف آنها انتقاد از اوضاع جامعه، و در برخی موارد نوعی پرخاش در برابر عوامل مسلط بر جامعه بوده است؛ از هر کدام، آثاری در ادبیات فارسی وجود دارد. سرآغاز فکری پیدایش این نوع نگرش انتقادی و پرخاشگر، همواره با دوره‌های اشفنگی اجتماعی و سیاسی تاریخ این سرزمین، مقارن بوده است. در نخستین قرنهای پس از اسلام، نهضت شعوبیه با بینش انتقادی خاص خود، در خور توجه است؛ همچنین حرکت روحانی و معنوی تصوف و نارضایی شیعه در برابر دستگاه خلافت و نیز پیدایش تفکر کلامی معتزله و اسماعیلیه در برابر تسلط کلامی اشاعره، بویژه پس از شدت یافتن تعصبات مذهبی در قرنهای پنجم و ششم و تسلط قبایل ترک بر ایران، و - که در ادبیات فارسی نیز بازتاب یافته - همه حاصل نوعی نگرش انتقادی در برابر اندیشه حاکم و مقاومت در برابر آن است.

این گونه انتقادهای در قرنهای هفتم و هشتم و پس از حمله مغول و رواج فساد در جامعه، در ادبیات فارسی شدت بیشتری یافت و بسیاری از شاعران خانقاهی و نیز بسیاری از زندان و دانایان زمان، به انتقاد از اوضاع جامعه پرداختند. اما بارزترین تجلی ادبیات پرخاشگر در عصر مشروطیت است و تنها در این دوره است که نهضتی اجتماعی پدید آمد و هدف آن پیکار عملی برای اصلاح جامعه و بهبود اوضاع مردم بود. بنابر آنچه گفته شد ادبیات انتقادی و پرخاشگر فارسی در این سه دوره، قابل بررسی است و تفصیل آن در پی می‌آید.

در قرون نخستین پس از اسلام، نهضت شعوبیه یا اهدافی خاص پدید آمد. هدف این جنبش در آغاز، مبارزه با تبعیض نژادی و بی‌عدالتی دستگاه

خلافت بود و این نگرش انتقادی به شکل‌های گوناگون در ادبیات فارسی تأثیر گذاشت. از آثار نهضت شعوبیه، پیدایش تفکر انتقادی و پرخاشگر در جامعه ایرانی بود که پس از دو قرن سکوت در برابر تحقیر دستگاه خلافت امویان، در دوره‌های بعد، هم در بعد سیاسی و اجتماعی و هم در بعد اندیشه و ادب، نمود یافت. در بعد اجتماعی این تفکر در کسب استقلال سیاسی ایران، تأثیر کرد و در تقویت تصوف در ایران نیز مؤثر افتاد<sup>(۲)</sup>، چنانکه باعث گسترش تشیع در ایران هم شد.

در بعد ادبی تفکر شعوبیه، نوعی ادب انتقادی را رواج داد، و آن هم در آثوری بود که مستقیماً در جهت تقویت افکار آنان پدید آمدند و هم در جهت تقویت و رشد حماسه‌سرایی نمود یافت. چنانکه گفته شده «یکی از علل عمده توجیه ایرانیان در عهد سامانی و در تمام قرن پنجم به گرد آوردن و نظم کردن روایت‌های حماسه ملی، آثاری بود که از نهضت شعوبی و قیام ملی ایرانیان در ذهن آحاد این ملت ماند». (۵) حماسه با آن زبان رمزگونه

**□ اشعار مطایبه و هزل عبید زاکانی از جمله طنزهای سیاسی در ادبیات فارسی است که نظیر آن کمتر دیده شده و در اشعار جدی او نیز انتقاد از ظلم حاکمان و زیاکاری صوفیان نمایان است. وی مبتکرترین و نیرومندترین کسی است که در نوع انتقادی ادبیات فارسی یافت می‌شود.**

خود، پرخاشگری پنهان اندیشه ایرانی در برابر عوامل مسلط بود؛ در دوره‌های بعد با تغییر این شرایط، حماسه‌های ملی به حماسه‌های دینی تبدیل شدند و سپس جای خود را به عرفان دادند.

اولین انتقادهای در این دوره، اشعار عربی اسماعیل بن یسار در ذم خلیفه اموی و تهاجر به نژاد ایرانی است. (۶) در دوره عباسیان هم شعوبیه به نشر افکار و عقاید خود پرداختند و کتب و رسالات و اشعار بسیاری درباره عقاید خود نشر دادند. بزرگان و رجال ایرانی هم، آنان را در این گونه امور، تشویق می‌کردند. از اوایل قرن دوم تا قرن چهارم هجری که شعوبیه به تبلیغ افکار و عقاید خود مشغول بودند، شعرای بزرگی از میان ایرانیان با فکر شعوبی برخاستند، و از میان آنها خرمی و المتوکل و بشار بن برد طخارستانی شهرت بیشتری دارند. (۷) نهضت شعوبیه در تحول اجتماعی و ادبی ایران در قرون نخستین پس از اسلام تأثیر قابل توجهی داشت، و اگرچه کتابها و رسالات شعوبیه، بعدها، به دلیل تغییر روش فکری ایرانیان و نفوذ

شدید اسلام از میان رفت، تأثیر اندیشه آنها از میان نرفت.

از دیگر عواملی که در این دوره و در گسترش نگرش انتقادی در ادبیات فارسی، تأثیر داشت، نهضت تصوف است. تصوف هر چند در آغاز، حرکتی برخاسته از زهد و پرهیزگاری دینی بود، بزودی در دوره گسترش خود، بویژه در ایران، تشکیلاتی مستقل یافت، در حالیکه از اهداف سیاسی هم خالی نبود و در واقع پرخاشی بود در برابر عوامل حاکم. «بزرگان متصوفه ایران، جوانمردی و قنوت و تصوف را با هم ترویج می‌کردند» (۸) و علاوه، «عامل عمده‌ای که در پیدایش و توسعه تصوف در ایران تأثیر داشت، حالت اعتراض زهد و صوفیه بود نسبت به دستگاه خلافت که در ورای آن هم تمایلات شیعی وجود داشت [که همراه بود با] عدم آمادگی برای همکاری با اعراب». (۹) تصوف از آغاز، بینشی انتقادی داشت و عکس‌العملی روحانی بود در برابر اوضاع نامقبول اجتماعی. بدین علت صوفیه به عنوان واکنش در مقابل فقدان عدالت اجتماعی به هجرت روحانی دست می‌زد؛ صوف پوشیدن آنها چون اعتراضی بود در برابر تکلف و خودنمایی دیگران، و گرایش آنها به معرفت قلبی نیز عصیانی بوده است بر دو طریقه معرفت نقلی و عقلی که میان اهل سنت و معتزله رایج بود. (۱۱)

به هر حال، این حرکت معنوی، وقتی در برابر جریانهای انحرافی و تصوفی که بتدریج از مسیر واقعی، منحرف شده بود، قرار گرفت، به شکل دیگری نمود یافت، و آن تفکر ملامتیه - به عنوان شاخه‌ای از تصوف، واقعی - بود. این اندیشه در دوره‌های بعد، و بویژه در قرون هفتم و هشتم در ادبیات فارسی گسترش یافت، و به انتقاد از اوضاع زمان و فساد صوفیان غیر حقیقی پرداخت. بنابراین، تصوف جوشان و آفریننده ایران در تمام تاریخ خویش، همراه با تمایلات التقاطی و تسامح‌آمیز دینی، این روح عکس‌العمل را نیز در مقابل ارزشهای نامقبول، نشان داده است. (۱۱)

امر دیگری که در این دوره از نظر تأثیر بر ادبیات انتقادی قابل ذکر است، پیدایش تعصب مذهبی و گسترش فرقه‌های مختلف با نگرشهای کلامی خاص است. پیش از قرن چهارم و پنجم، حکومتها در نزاعهای مذهبی وارد نمی‌شدند، اما از قرن پنجم به بعد، با روی کار آمدن حکومتهای غزنوی و سلجوقی و پیروی آنها از رفتار خلفا نسبت به فرقه‌های دیگر بویژه شیعه و معتزله، تعصب مذهبی شدت یافت و در نتیجه اختلافهای مذهبی نیز گسترش یافت. در این دوره، تفکر کلامی اسماعیلیه و معتزله در برابر تفکر کلامی مسلط روزگار، یعنی اشاعره قرار گرفت؛ این برخوردهای فکری به ادبیات کشیده شد و بویژه در آثار اسماعیلیه به انتقادهای سیاسی و اجتماعی تبدیل شد. اسماعیلیان در ادبیات فارسی اهمیت زیادی دارند و نگرش انتقادی در آثار آنها به دلیل نفوذ و تأثیری که حکمت اسماعیلی در آن روزگار داشته، و هم به دلیل پرداختن متفکران اسماعیلی به شاعری و نویسندگی به مثابه ابزار تبلیغ فکری و مذهبی، و توجه شدید آنها به تألیف کتب و رسالات به زبان فارسی، نمود بیشتری دارد. (۱۲)

بزرگترین شاعر و نویسنده اسماعیلی در ایران ناصر خسرو است، در آثار وی، بینش انتقادی عمیق و صریحی نسبت به حکومت‌های غزنوی و سلجوقی و تفکر مذهبی حاکم در آن روزگار هست. او در انتقادهای خود نگرشی خاص برای تبیین و اثبات مسایل فلسفی و مذهبی دارد. و پیش از ناصر خسرو، فردوسی نیز در شاهنامه، در ضمن نقل داستانهای - چون داستان ضحاک - نگرش انتقادی برجسته‌ای را ارائه می‌دهد و در بسیاری از موارد با توجه به خلفان سیاسی آن روزگار با زبانی تمثیلی و رمزگونه از اوضاع سیاسی و اجتماعی روزگار، انتقاد می‌کند؛ گو اینکه - به نظر برخی - فردوسی هم تفکر اسماعیلی داشت و حکمت اسماعیلی در شاهنامه و بویژه مقدمه آن، نمایان است (۱۳). البته چنان که اشاره شد افکار شعوبیه هم در پیدایش این اثر حماسی و نگرش انتقادی آن، مؤثر بوده است.

در قرن ششم اشفتگی اوضاع اجتماعی و سیاسی ایران، باعث گسترش انتقادهای اجتماعی در

## □ حرکت معنوی تصوف، وقتی

در برابر جریانهای انحرافی صوفیگرانه قرار گرفت، به شکل دیگری نمود یافت، و آن تفکر

ملامتیه بود که در دوره‌های بعد، و بویژه در قرون هفتم و هشتم در ادبیات فارسی گسترش یافت و به انتقاد از اوضاع زمان و فساد صوفیان غیر حقیقی پرداخت.

ادبیات و بویژه در شعر شد؛ چنان که نمونه بارزی از این انتقادهای در آثار سنایی ملاحظه می‌کنیم. سنایی از پیشتازان هجو راستین و راهگشای تحولی تازه در ادبیات اجتماعی است. وی در گرم بازار تعصبات مذهبی آن روزگار، سخنان درشت گفته و روابط ناهنجار اجتماعی را که از سلطه جبارانه حکومت متأثر است، باز می‌گوید (۱۴).

بخش مهمی از ادبیات انتقادی فارسی، پس از حمله مغول و رواج فساد فواجگیر در جامعه، شکل گرفت و «شعر انتقادی که در قرن ششم در ادبیات فارسی رواج یافته بود، در قرن هفتم و هشتم به علت اشفتگی اوضاع زمان، میدان مساعدی برای توسعه پیدا کرد. در این دو قرن که دوره استیلای مغولان و حکومت‌های ناصالح بر ایران بود، مفاسد اجتماعی، رواج روزافزون یافت و به همان نسبت هم انتقادهای اجتماعی شدیدتر شد و حتی گاهی به صورت هزل جلوه کرد». (۱۵) این دوره، از نظر آثار ادبی، بسیار درخشان است و نکته مهم اینکه در این آثار، انتقاد از اوضاع نابسامان سیاسی و

اجتماعی به شکلهای مختلف - اعم از بند و موعظه و طنز و هجو و هزل - وجود دارد. هجو و هزل و طنز از جلوه‌های مهم ادبیات انتقادی است که از قرن ششم به بعد گسترش یافته و بسیاری از انتقادهای اجتماعی به وسیله آن بیان شده است.

حقیقت آنکه روی آوردن به این ابزار کلامی در دوره‌های آشفتنگی اوضاع کشور، به نوعی گریز از صریح گویی برای بیان جدیترین انتقادهای تلخترین حقایق روزگار، بوده است؛ زیرا «هر اندازه که اظهار جدی و صریح حقایق، دشوارتر و خطرناک‌تر باشد، توجه به بیان حقیقت از راه هزل و طنز فزونی می‌یابد» (۱۶). هجو در آغاز به پیروی از ادب عربی به ادبیات فارسی راه یافت و بیشتر جنبه شخصی داشت، اما از قرن ششم به بعد و به مقتضای شرایط روزگار، «هجو راستین» پدید آمد، هجوی که در ورای ظاهر آن، درسهای اخلاقی،

□ سنایی از پیشتازان هجو راستین و راهگشای تحولی تازه در ادبیات اجتماعی است. وی در گرم بازار تعصبات مذهبی آن روزگار، سخنان درشت گفته، روابط ناهنجار اجتماعی را که از سلطه جبارانه حکومت متأثر است، باز می‌گوید.

□ هدف جنبش شعوبیه در آغاز، مبارزه با تبعیض نژادی و بی‌عدالتی دستگاه خلافت بود و این نگرش انتقادی به شکلهای گوناگون در ادبیات فارسی تأثیر گذاشت.

اندرزها، انتقادهای پرخاشگریها نهفته و به جای آنکه به افراد و اشخاص، متوجه باشد به مسایل اجتماعی می‌پردازد و معایب عمومی جامعه را نشان می‌دهد. فروید، هجو را «لطیفه تهاجمی» نامیده است. (۱۷) در جامعه ایران هم در سراسر تاریخ، هرگاه مردم با شکست و ناپسانمانی رو به رو شده‌اند، برای ارضای حس انتقام و بیان انتقاد خویش، زبان به هجو گشوده‌اند؛ چنانکه در ادبیات فارسی این دوره، هجو نتیجه نارضایتیها و ابزاری برای بیان انتقادهای اجتماعی است.

طنز هم جلوه‌ای از ادب انتقادی است که در صورت داشتن آرمان اجتماعی و سیاسی، می‌توان از آن در راه بیداری توده‌ها سود جست و مردم و جامعه را به تحرك واداشت؛ بنابراین طنز واقعی، ابزاری برای مبارزه با پلیدیها و شناساندن دردها و مشخص کردن هدفهاست و از اینرو می‌تواند در تغییر وضع موجود، مؤثر باشد. (۱۸) در این دوره نیز

طنز بدین منظور به کار رفته، بویژه طنز صوفیه که گاه با خرده‌گیریهای زندانه همراه و گاه بسیار تند است و نوعی خشم پنهان دارد و روی هم رفته «هم چاشنی اجتماعی دارد و هم ذوق فلسفی و طنزی است جالب که در واقع شکلی تعالی یافته از طنز عامیانه است». (۱۹)

به هر حال آثار ادبی این دوره، بازتابی از اوضاع جامعه هستند و حکایت دردهای مردم در این روزگار، گاه به صورت شکایتهای دردانگیز منظوم و مثنوی بیان شده و گاه نیز به شکل هجو و هزل و مطایبات تکان دهنده جلوه کرده است؛ در این دوره بسیاری از افراد خانقاهی و بی‌اعتنا به دنیا هم به دلیل عظمت واقعه، حقایق جامعه را باز گفته‌اند که مجموعه این آثار، مصداق کامل ادب انتقادی در این دوره است. از جمله این آثار، اشعار سیف فرغانی و اوحدی مراغه‌ای است که در آنها پریشانی احوال مردم و ظلم و ستم حاکمان بیان شده و از شیوع فساد در جامعه بسختی انتقاد شده است.

خواجه کرمانی نیز در این دوره در قالب طنز و هجو، با بیان انتقادهای سخت، وضع دوران خود را نشان داده است. هجو او هجو راستین و از گونه سخنه‌های ناصر خسرو است که یک جریان اجتماعی را به نقد می‌کشد و با برخوردی منطقی به اصلاح معایب برمی‌خیزد. (۲۰)

بزرگان دیگری هم در این دوره هستند که آثار آنها بازگو کننده فساد فراگیر جامعه است، از جمله سمدی که انتقادهای او گاه به صورت بند و موعظه و گاه به شکل هزلهای تند و مطایبات تکان دهنده بیان شده است. نیز مولوی که «در شعر خویش، مضامین هزل‌آمیز را با توجه به نقد اجتماعی به کار گرفته» (۲۱) و سرنوشت دردناک مردم و فساد روزگار خود را با زبان تمثیلی و هزلی که هدف آن تنبیه و تادیب و تهذیب اخلاق مردمان است، بیان می‌کند. همچنین حافظ با تیرهوشی خاص خود، فساد جامعه را دریافته و بصراحت و بتلویح و در قالب طنزهای بسیار قوی و ظریف، اوضاع ناپسندان اجتماعی و سیاسی ایران را در آن روزگار، بازگو می‌کند و «در دیوان جهل سوز معرفت آموز او گونه‌ای از طنز که به منظور ظلم‌ستیزی و مبارزه با تزویر و ریای سالوس فروشان زمانه بکار رفته، دیده می‌شود». (۲۲) این بینش انتقادی در آثار شاعرانی چون ابن یسین و مجد همگر و عالمانی چون علامه قطب‌الدین شیرازی، قاضی عبدالدین ابیحی، شرف‌الدین دامغانی و شرف‌الدین درگزینی نیز یافت می‌شود؛ اما در این میان، انتقادهای عبیدزاکانی از لونی دیگر است و در آثار او (از نظم و نثر و هزل و مطایبه و جد) این نگرش انتقادی آشکار است.

بینش انتقادی عبید، بسیار برجسته است و همین آگاهی و دیدگاه انتقادی و اجتماعی، بذله‌گوییهای او را به صورت تازیانه‌ای درآورده که بر پیکر محیط و زمانه خود نواخته است. اشعار مطایبه و هزل او از جمله طنزهای سیاسی در ادبیات فارسی است که نظیر آن کمتر دیده شده و «نماینده حس استهزایی است که زندان آن زمان در مشاهده وضع ناگوار روزگار از خود ظاهر ساخته‌اند». (۲۳) هجوهای او

بیشتر نمادین و در واقع، انتقادی از فساد رایج در عصر اوست و در اشعار جدی او، انتقاد از ظلم حاکمان و ریاکاری صوفیان نمایان است. آثار مثنوی او هم، نمایانگر همق فساد است که پس از حمله مغول، جامعه ایران را فرا گرفته و با این آثار، وی مبتکرترین و نیرومندترین کسی است که در نوع انتقادی ادبیات فارسی یافت می‌شود. (۲۴)

به هر حال، با گذشت چند قرن از حمله مغول، بتدریج از رعب و وحشت و ویرانگری حاصل از آن و نیز از شدت انتقادهای کاسته شد و از این زمان به بعد تا عصر مشروطیت، نهضتی برای بیان انتقادهای اجتماعی و سیاسی به وسیله ادبیات، بوجود نیامد؛ با این همه در دوره‌های بعد، شعر انتقادی و بویژه طنز و هجو و هزل از رونق نیفتاد. \*

در ادبیات دوره صوفیه، در شعر شاعرانی چون صائب و بیدل، نوعی طنز اجتماعی و انتقاد از

□ در عصر مشروطیت، طنز و هجو تکامل یافت و هجوی راستین و طنزی اجتماعی و واقع‌گرا پدید آمد. هجو در این دوره یک هجو ملی و مردمی و هدفمند بود و تنها در این روزگار بود که هجا نقشی کاملاً سازنده داشت و سلاحی در خدمت اهداف ملی و مردمی شد.

□ ادبیات دوره مشروطیت، با وجود نمایاندن جهات تاریک زندگی، جهت روشن و امیدبخش آن را نیز از یاد نبرده و در همه این مراحل، هدف والای آن پیکار عملی برای اصلاح جامعه و بهبود اوضاع کشور و تلاش در راه بیداری مردم و آزادی بوده است.

زاهد و واعظ و صوفی هست که ریشه آن را باید در شرایط اجتماعی و سیاسی آن روزگار جستجو کرد. در دوره قاجاریه هم یغمای جندقی در این شیوه چیره‌دست است. هجوها و طنزها و انتقادهای اجتماعی و سیاسی او بسیار شاخص و از جهتی پیشرو ادبیات انتقادی دوره بعد و «پیشاهنگ گویندگان طنزهای سیاسی آینده است. او زود آمد و سرخورد و اگر یک قرن بعد به دنیا آمده بود، شاید در میان نویسندگان عهد انقلاب، مقام رهبری و پیشوایی، می‌یافت». (۲۵) انتقادهای او حمله‌ای بود به وضع کهنه و فرسوده کشور، اما برای پیکار با علل فساد و ریشه‌کن کردن آن مجهز نبود و وضع زمان به او اجازه نداد که هنر اصلی خود را نشان دهد.

ادبیات پرخاشگر به طور کامل در عصر مشروطیت، نمود یافت. «از قرن سیزدهم به بعد، پایه انواع ادبی و اساس طبقه‌بندیهای قدیم، تحت

تأثیر تحولات اجتماعی و ادبی جدید، متزلزل می‌شود و مسایل تازه‌ای در ادبیات مطرح می‌گردد که پیش از آن سابقه نداشته یا به ندرت وجود داشته است... از آن جمله است: مسایل سیاسی و فلسفی و اندیشه‌هایی که ادبیات را به سوی تمهد و مسایل اجتماعی، سوق می‌دهد و نوعی شعر و ادب را به نام ادبیات پرخاشگر بوجود می‌آورد... این انواع تازه، یکی از جلوه‌های مهم ادب فارسی و در واقع، صفحه‌زینی است که بر کتاب شعر و نثر ما افزوده شده و شعر فارسی را از قرن‌ها رکود و تحجر، خارج کرده و بدان تحرکی تازه بخشیده است.<sup>(۲۶)</sup> با پیدایش مشروطیت، ادبیات از محیط‌های درباری جدا شد و پیش از پیش در دسترس مردم قرار گرفت و شاعران و نویسندگان این دوره، استعداد و هنر خود را در راه کسب آزادی بکار انداختند، اما سخنوران عهد انقلاب با ریزه‌کارهای هنری شعر قدیم، آشنایی کامل نداشتند و نیز آن قالب‌های کهنه‌چینی احساسات و مفاهیم جدید مناسب نبود. بنابراین زبان شعر و ادب به زبان عامه نزدیک شد و این امر باعث شد که ادبیات از نظر سطح ادبی، کمی تنزل یابد، اما ادبیات این عصر از نظر بینش عمیق اجتماعی و سیاسی و وسعت دید انسانی و اهداف مردمی که در گذشته ادبی ایران، کمتر امکان بروز یافته بود، بی‌مانند است.

شاعران و نویسندگان این دوره، همگام با دیگر افراد جامعه، مظاهر زشت اجتماع را به باد انتقاد می‌گرفتند. و ادبیات، که پیش از این به سبب تربیت نظام اجتماعی، نمی‌توانست از حکومتها انتقاد بزرایی بکند در این دوره، چون سلاحی برای کسب آزادی و آزراری برای بیان انتقادهای اجتماعی و سیاسی بکار آمد. در دوره مشروطیت، شعر و نثر به موازات هم به بیان انتقادهای اجتماعی می‌پرداخت و به همین دلیل در این دوره، برای نخستین بار، نمایشنامه‌ها و کمدهای اجتماعی و انتقادی پدید آمد که غرض اصلی نویسندگان آنها، تحصیل نتایج اجتماعی بود؛ در این دوره، رمانهای اجتماعی نیز پیدا شد که گوشه‌هایی از زندگی معاصر را با معایب و مفاسد آن، نشان می‌داد و مقاصد ملی این دسته از رمانها را هم مانند طنزهای سیاسی به خدمت بیسان دردهای جامعه گماشت<sup>(۲۷)</sup>. در عصر مشروطیت، طنز و هجو هم تکامل یافت و هجوی راستین و طنزی اجتماعی و واقعگرا پدید آمد. هجو در این دوره، یک هجو ملی و مردمی و هدفمند بود. تنها در این روزگار بود که هجا نقشی کاملا سازنده داشت و سلاحی در خدمت اهداف ملی و مردمی شد؛ به عبارت دیگر، هجو در این دوره برای هویدا کردن معایب و مفاسد جامعه به کار رفت.<sup>(۲۸)</sup>

پیش از عصر تیموری و پس از آن، دو نهضت شکل گرفتند که هر دو از تصوف سرچشمه گرفته بودند و از نظر تفکر اجتماعی و بینش انتقادی و تأثیر در ادبیات اهمیت دارند: یکی نهضت سرداران است که برای برقراری عدالت اجتماعی و مساوات اسلامی تلاش می‌کرد و آثار آن در ادبیات فارسی هم نمود یافت؛ دیگری نهضت حروفیه با بینشی خاص که آثار آن هم در ادبیات فارسی، در قلمرو عثمانی هم تأثیر نهاد.

با پیدایی انقلاب مشروطیت، طنزی حقیقی و واقع‌گرا پدید آمد که لبه تیز خود را بیش از افراد، به اجتماع و معایب عمومی جامعه متوجه ساخت و در خدمت اهداف سیاسی و اجتماعی قرار گرفت. وظیفه این طنز رئالیستی ایجاد تصور درباره یک زندگی عالی از راه تصویر جبهات پست و ناشایست آن و بیدار کردن شوق کمال مطلوب در خواننده بود.<sup>(۲۹)</sup> در گذشته ادبی ایران، طنز و هجو بدین معنی، کمتر وجود داشت و علت آن هم ادبیات انحصاری، ساکن بودن افکار و ناآگاهی توده مردم از مفهوم و مقصود این نوع طرز بیان بود. درباره طنز و هجو این دوره، این نکته هم قابل ذکر است که پیش از این، طنز و هجو در بیشتر موارد، بسیار بی‌پرده و با کلمات ناهموار ادا می‌شد؛ اما در کلام این عصر، عفت و پرهیز بیشتری به چشم می‌خورد و شاعر، حقیقت را عریان می‌گوید؛ لیکن دامان سخن را به رکاکت نمی‌آلاید.<sup>(۳۰)</sup> به هر حال در دوره مشروطه، نهضتی برای اصلاح جامعه شکل گرفت و مسایل اجتماعی و معایب عمومی جامعه به وسیله ادبیات و در قالب طنز بیان شد، در حالی که پیش از آن در جامعه چنین شرایطی پدید نیامد که شاعر و نویسنده، بتوانند علل فساد را به طور صریح بررسی کنند و بازگو شوند، و مردم هم آگاهی و آمادگی لازم برای اصلاح جامعه خود را نداشتند. بنابراین، اگر در روزگار پیش، کلامی گنجه و عیبی بازگو می‌شد در ادبیات این دوره، تلاش برای رفع معیوب و مفاسد اجتماعی و سیاسی و اصلاح جامعه بود.

شاعران و نویسندگان این دوره، غالبا مخالف استبداد و هواخواه مشروطه و آزادی بودند و از میان آنها چند تن از نظر تکامل طنزهای سیاسی و بیان انتقادهای اجتماعی، نقش برجسته‌تری دارند، از جمله: سید اشرف‌الدین قزوینی (نسیم شمال) که در شعرهای طنزآمیز سیاسی و اجتماعی پیشواست علامه دهخدا نیز در ادبیات عهد انقلاب، مقام ارجمندی داشت. او «با نثر ویژه‌ای که در نوشتن مقالات انتقادی صور اسرافیل به کار برد، بنیانگذار نثر طنزی و انتقادی فارسی، شناخته شد».<sup>(۳۱)</sup> در طنزهای دهخدا عشق و علاقه به مردم نمایان است؛ فساد دستگاه سلطنت، ظلم و ستم حاکم بر جامعه، فقر و بدبختی مردم و نادانی و بیچارگی زنان ایرانی، موضوع مکرر مقالات دهخداست. اشعار ملک‌الشعرای بهار هم پس از مشروطیت به انقلاب و آزادی اختصاص دارد، در حالیکه سخن او از نظر ادبی در سطحی بالاتر از آثار دیگر شاعران عهد انقلاب قرار دارد. اشعار او در این دوره بسیار پرشور است و موضوع آن، مبارزه با سیاستهای استعماری، درد و رنج بی‌پایان ملت ایران، ستایش انقلاب و قهرمانان آزادی و پرخاش بر خائنان و وطن‌فروشان است.<sup>(۳۲)</sup> هارف قزوینی، شاعر ملی ایران و انقلاب مشروطیت شعر را «وسیله‌ای برای بیان افکار سیاسی و اجتماعی و تهییج مردم می‌داند و آن را چون حره‌ای برای انتقاد از معایب و مفاسد ملی به کار می‌برد».<sup>(۳۳)</sup> میرزاده عشقی هم از شاعران انقلابی است که در مقاله‌های سیاسی و اجتماعی و نیز در اشعار خود، معایب و مفاسد عمومی جامعه، بی‌کفایتی

سیاستمداران، فقر و بدبختی مردم و بیچارگی زنان ایرانی را مطرح می‌کند. باری شاعران و نویسندگان عصر مشروطیت به درستی و حقانیت راه خود، ایمان داشتند؛ از اینرو در دشوارترین مراحل انقلاب و مبارزه، خط سیر درونی و معنوی آنها، امید به آینده بوده است و ادبیات این دوره، با وجود نمایاندن جهات تاریک زندگی، جهت روشن و امیدبخش آن را نیز از یاد نبرده و در همه این مراحل، هدف والاتی آن، پیکار عملی برای اصلاح جامعه و بهبود اوضاع کشور و نیز تلاش در راه بیداری مردم و آزادی بوده است.

### پی‌نوشت:

- ۱- در گلستان خیال حافظ، دکتر فرشی‌دوره، ص ۵۱، به نقل از انواع ادبی و آثار آن در زبان فارسی، دکتر رزمجو، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ دوم، ۱۳۷۲، ص ۸۲.
- ۲- انواع ادبی و آثار آن در زبان فارسی، ص ۸۹.
- ۳- همان مأخذ، ص ۸۳.
- ۴- ک: سرچشمه تصوف در ایران، سعید نفیسی، انتشارات فروغی، چاپ هشتم، ۱۳۷۱، ص ۳۳.
- ۵- حماسه‌سرایی در ایران، دکتر صفا، انتشارات امیر کبیر، چاپ سوم، تهران ۱۳۵۲، ص ۱۵۶.
- ۶- ک: تاریخ ادبیات در ایران، دکتر صفا، انتشارات فردوس، ۱۳۶۲، جلد ۱، ص ۱۲۰.
- ۷- بنگرید به همان مأخذ، جلد ۱، ص ۲۷.
- ۸- سرچشمه تصوف در ایران، ص ۳۳.
- ۹- چشم‌انداز تصوف ایران، دکتر زرین کوب، انتشارات امیر کبیر، چاپ سوم، ۱۳۶۷، ص ۲۸.
- ۱۰- بنگرید به همان مأخذ، ص ۲۹.
- ۱۱- همان مأخذ، ص ۲۹.
- ۱۲- ک: تاریخ ادبیات در ایران، جلد ۱، ص ۲۲۹.
- ۱۳- برای اطلاع بیشتر درباره این موضوع بنگرید به: نگاهی تازه به مقدمه شاهنامه، دکتر عباس زریاب‌خویی، در سرگذشت فردوسی، به کوشش ناصر حریری، نشر آویشن و نشر گومرزاد، چاپ اول، تابستان ۱۳۷۳، صص ۳۳۱-۳۱۷.
- ۱۴- ر: ک: چشم‌انداز تاریخی هجو، عزیزالله کاسب، نشر بهارستان، چاپ دوم، ۱۳۶۹، ص ۵۳.
- ۱۵- تاریخ ادبیات در ایران، جلد ۲، بخش ۱، ص ۳۳۳.
- ۱۶- طنز چیست؟ احمد خلیل‌الله مقدم، انتشارات امیر، فروردین ماه ۲۵۳۷، ص ۱۳.
- ۱۷- فرهود و فرودبسم، ص ۱۱۷۲ به نقل از چشم‌انداز تاریخی هجو، ص ۱۳.
- ۱۸- ر: ک: طنز چیست؟ صص ۹-۷.
- ۱۹- شعر بی‌دروغ، شعر بی‌نقاب، دکتر زرین کوب، انتشارات علمی، تهران، ۱۳۴۶، صص ۱۸۸.
- ۲۰- ر: ک: چشم‌انداز تاریخی هجو، ص ۶۶.
- ۲۱- همان مأخذ، ص ۶۳.
- ۲۲- انواع ادبی و آثار آن در زبان فارسی، ص ۹۶.
- ۲۳- کلیات عبید زاکانی، مقلبه با نسخه عباس اقبال و چند نسخه دیگر، پرویز اتابکی، انتشارات زور، تهران، چاپ دوم، ۱۳۳۳، مقدمه، صفحه چهل.
- ۲۴- ر: ک: تاریخ ادبیات در ایران، جلد ۳، بخش ۲، ص ۹۷۰.
- ۲۵- از صبا تا نینما، یحیی آرین‌پور، شرکت سهامی کتابهای جیبی با همکاری مؤسسه انتشارات فرانکلین، چاپ دوم، ۱۳۵۱، جلد اول، ص ۱۱۸.
- ۲۶- در گلستان خیال حافظ، صص ۵۲-۵۱، به نقل از انواع ادبی، ص ۸۲.
- ۲۷- ر: ک: از صبا تا نینما، جلد ۲، صص ۲۹۳ و ۲۵۸.
- ۲۸- ر: ک: چشم‌انداز تاریخی هجو، ص ۸۳ نیز آشنایی با نقد ادبی، دکتر زرین کوب، انتشارات سخن، چاپ دوم، ۱۳۷۱، ص ۲۵۷.
- ۲۹- از صبا تا نینما، جلد ۲، ص ۳۹.
- ۳۰- چشم‌انداز تاریخی هجو، ص ۸۴.
- ۳۱- از صبا تا نینما، جلد ۲، ص ۷۹.
- ۳۲- بنگرید به همان مأخذ، جلد ۲، ص ۱۲۶.
- ۳۳- همان مأخذ، جلد ۲، ص ۳۵۹.